

Die Geschichte von Nehal Anwari:

اسم من نهال است. اهل افغانستان هستم. ۲۴ ساله هستم. از سال ۲۰۱۲ اینجا هستم. اول در هلند بودم و از سال ۲۰۱۴ اینجا هستم. مکتبم را خلاص کردم. یک دوره کارآموزی در رشته دستیاری دندانپزشک را شروع کردم. بعد چهار با پنج ماه در فروشگاه dm کار کردم. بعد دوباره یک دوره کارآموزی جدید در رشته آرایشگری را شروع کردم. الان هم دوره کارآموزی ام را خلاص کردم.

درباره کارهای داوطلبانه ات برایمان تعریف کن!

من دقیقاً داوطلبانه کار نکردم. برای خودم و نه اینکه قراردادی باشد. کمک به مردم فکر خودم بود زمانی که در هاید بودم. مردم از من پرسیدند که میتوانی ترجمانی کنی. منم چون مکتب رفته بودم و زبان را یاد گرفته بودم میتوانستم کمی ترجمانی کنم و به مردم کمک کردم. به طور مثال به آنهایی که پیش وکیل یا دکتر و یا در بانک چیزی لازم داشتند و یا وقت ملاقات مهمی در یک اداره دولتی داشتند کمک میکردم. نمیگویم که من هرروز این کار را انجام میدادم بلکه یک یا دوبار در هفته. وقتی وقت داشتم هر دفعه به مردم کمک میکردم. از وقتی که در آلمان هستم و زبان را یاد گرفتم به مردم کمک میکنم.

چرا کار داوطلبانه انجام دادی؟

چرا این کار را انجام میدهم؟ چون در ابتدا میخواستم زبانم را تقویت کنم. و همچنین روابط بیشتری با مردم داشته باشم. وقتی به زمانی که تازه اینجا آمده بودم فکر میکنم، فکر میکنم که منم وقتی تازه آمده بودم زبان را بلد نبودم و به کمک نیاز داشتم که به منم از طرف بقیه کمک شد. به همین خاطر هنوز فکر میکنم. بله من این شرایط رو از ته قلبم میشناسم. میدانم چقدر سخت است وقتی زبان را بلد نیستی و وقتی تازه به آلمان آمده ای و زیاد با بقیه آدم ها در تماس نیستی. میدانم چقدر سخت است و به همین خاطر با کمال میل کمک میکنم و اینکه میتوانم برای کسی کار خوبی انجام دهم.

چه چیز باعث شد که کار داوطلبانه انجام دهی؟

هیچ کس به من نگفت که این کارها را انجام بدم. من خودم انجام دادم. از من یک نفر پرسید که آیا میتوانم به او کمک کنم و با او آغاز شد. مثلاً وقت وقت داشتم، گفتم اوکی من با تو هرجایی که مرا نیاز داری میروم. بعد از آنجا همیشه احساس خوبی داشتم که میتوانم این را انجام دهم. وقتی این را میتوانم انجام دهم، پس انجام میدهم.

باید به خاطر زبان از کار داوطلبانه ترسید؟

نه نباید ترس داشته باشنند. چون همه میدانند که این زبان مادری ما نیست. وقتی تو امروز یک کلمه را اشتباه بگی، بعد یادش میگیری و فردا درستش میکنی. وقتی امروز چیزی را نمیتوانی خوب انجام دهی، پس یادش



میگیری. با مردم مواجه میشی. چنین چیزهایی را آدم یاد میگیرد. به نظر من خوب است که آدم الان شروع کنه. چرا آدم باید ترس داشته باشه؟

مزیت های کار داوطلبانه چیست؟

مزیت هایش این است که بیشتر با مردم در ارتباط بودم، زبانم بهتر شده و این که شانس های بیشتری دارم که با خانواده های آلمانی برخورد کنم. به طورمثال حتی زمانی که در کمپ بودم با رئیس تناترم در ارتباط بودم و هنوز هم در ارتباط هستیم. از همین طریق اینجا با کوبوس یک کار پیدا کردم و من حالا دوستان بیشتری دارم.

Das Interview wurde im Rahmen des Projekts „Pyramidea Goes Public“ durchgeführt.

Das vollständige Interview lässt sich auf Deutsch auf YouTube finden:

https://www.youtube.com/watch?v=Xolij_JEu3I